

به حکومت تزاری

و

به زنان و مردان کارگر کارخانه تورنتن

و.ا. لنین

تهران: خیابان انقلاب خیابان فروردین ، انتشارات کار

ناشر : انتشارات کار

چاپ اول آذر ماه ۱۳۵۸

تیراژ : ۱۰/۰۰۰ نسخه

" به حکومت تزاری "

امسال ، ۱۸۹۶ حکومت تزاری دو بیانیه خطاب به عموم در باره مبارزات کارگران علیه صاحبان کارخانه ، منتشر ساخته است. در دیگر کشورها از این نوع بیانیه ها فراوان منتشر میشود و حکومت آنها جریانات درون کارخانه ها از مردم پنهان نمیدارد و مطبوعات آزادانه خبرهای مربوط به اعتصابات را منتشر میسازند . اما حکومت روسیه بشدت از آفت تبلیغات در باره حوادث و اتفاقات درون کارخانه میترسید و از انتشار اخبار مربوط به اعتصابات را در مطبوعات جلوگیری بعمل میآورد . دولت بازرسان

کارخانه ها را از انتشار گزارشات خود در باره
اعتصابات منع کرده است و حتی نمیگذارد دعواهای
مربوط به اعتصابات در دادگاههای مربوطه مطرح
شود بطوریکه خلاصه تمام امکاناتش را بکار میگیرد
تا آنچه را که در کارخانهها و در میان کارگران
میگذرد، از دیده مردم پنهان دارد. ولی ناگهان
تمام تدابیر پلیس مثل حباب صابون میترکد و بهوا
میرود. حکومت خود را مجبور میبیند در باره این
حقیقت که کارگران علیه کارخانه داران وارد مبارزه
شده اند بی پرده سخن بگوید. چه چیز موجب این
تغییر شده است؟ در سال ۱۸۹۵ تعداد اعتصابات
کارگری بویژه خیلی زیاد است. بلکه این امر حقیقت
دارد. اما پیش از این هم اعتصابات بسیاری صورت
گرفته بود، اما حکومت موفق شده بود از بر ملا
شدن اسرار آن جلوگیری میکند و توده های کارگری
را در بی خبری نگهدارد. اعتصابات کنونی دامنهاش
بسیار وسیعتر از اعتصابات قبلی و در یک ناحیه
متمرکز است. بلکه این موضوع هم حقیقت دارد. اما
اعتصابات بزرگتری هم قبلاً رخ داده بود برای مثال
اعتصابات استانهای ولادیمیر و مسکو در سالهای
۸۶-۱۸۸۵. اما در آن زمان حکومت از گفتن
حتی یک کلمه در باره مبارزات کارگران خودداری کرد
پس این بار چه چیز حکومت را وادار به سخن گفتن
کرده است؟ تنها این حقیقت که این بار سوسیالیستها
پشتیبان کارگران هستند و به آنان کمک میکنند تا
مسائلشان را مطرح کنند و اخبار مربوط بسسه
اعتصابات را در همه جا، هم در میان کارگران

وهم در دیگر طبقات جامعه پخش کنند. سوسیالیستها خواسته های کارگران را دقیقاً " فرموله میکنند و به عموم مردم نشان میدهند که حکومت تا چه حد بیشعرف و حقه باز است و چه خشونت‌های سبعانه‌ای در برخورد با کارگران از خود نشان میدهد. هنگامیکه حکومت دریافت همه مردم از اعتصابات خبر دارند و سکوت او بسیار مضحک است، بناچار با بقیه همصدا شد، سوسیالیستها از دولت خواستند که در این باره به مردم توضیح دهد، حکومت هم روی صحنه ظاهر شد و توضیحش را داد.

اجازه بدهید ببینیم چه توضیحی میدهد.

ابتدا حکومت سعی کرد از انجام این کار بطور آشکار و در ملاء عام خودداری ورزد. از اینرو یکی از وزراء " وزیر دارائی آقای ویتِه **Vitle** " بخش نامه‌ای خطاب به بازرسان کارخانه‌ها صادر کرد که در آن کارگران و سوسیالیستها را بدترین دشمنان نظام اجتماعی معرفی کرده و به بازرسان اندرز داده بود که سعی کنند کارگران را بترسانند و آنان را مطمئن سازند که حکومت، کارفرمایان را از دادن هر گونه امتیازی به کارگران منع کرده است. در این بخشنامه هم چنین آمده بود که با کارگران راجع به انگیزه‌های خیر خواهانه کارفرمایان و مقاصد شرافتمندانه شان صحبت کردن و بگویند که چقدر کارفرمایان به کارگران و خواسته هایشان علاقمندند و چگونه لبریز از احساسات خیرخواهانه نسبت به آنان میباشند. اما حکومت نه در باره خود اعتصابات، نه در باره علت آنها و نه در باره سرکوب‌بیشرمانه و نقض قوانین از طرف

کارفرمایان و نه درباره اهداف کارگران کلمه‌ای سخن نمی‌گوید. در یک کلام، دولت به آسانی کلیه اعتصابات که در تابستان و پائیز ۱۸۹۵ صورت گرفته بود، دگرگون جلوه داده و سعی میکند با گفتن جملاتی مبتذل درباره اعمال خشونت‌آمیز و غیرقانونی از جانب کارگران، خودش را از شر همه آن واقعیتهای خلاص کند. همه میدانند کارگران نبودند که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شدند بلکه این پلیس بود که به خشونت توسل جست. آقای وزیر میخواست این بخشنامه کاملاً محرمانه بماند اما همان مقاماتی که او این مهم را به آنان واگذار کرده بود، نتوانستند این سر را مخفی نگهدارند. بخشنامه در دست مردم سراسر جامعه را طی کرد و سپس توسط سوسیالیستها چاپ و منتشر شد. وقتی حکومت فهمید که با این "اسرار آشکارش" از خود مضحکهای ساخته است ناچار شد آنرا بطور رسمی برای چاپ مطبوعات بدهد. و همانطور که در بالا گفتیم چنین بود جواب حکومت به اعتصابات تابستان و پائیز ۱۸۹۵. در بهار ۱۸۹۶ اعتصابات با مقیاس وسیعتری شروع شد. اخبار و شایعات مربوط به اعتصابات را جزوات سوسیالیستها در اختیار مردم میگذاشت. حکومت ابتدا سکوت جبهه‌های اختیار کرد و منتظر ماند تا ببیند که قضیه چگونه خاتمه می‌یابد. و سپس هنگامیکه قیام کارگران فروکش کرد با تاخیر، درایت بوروکراتیکش را همانطور که پروتکل دیر از موقع پلیسی را با اطلاع میرساند، با اطلاع عموم رساند. این بار حکومت مجبور بود بی پرده سخن گوید و مهمتر اینکه اینکار را جمعا انجام داد. اطلاعیه دولت در چاپ شماره ۱۵۸ نشریه **Pravitelarenny vestni** ظاهر شد. این بار دیگر

دولت قادر نبود که اعتصابات کارگری را به سیاق سابق دگرگون جلوه دهد. و مجبور بود تمام داستان و حقایق مربوط به اقدامات سرکوبگرانه کارفرمایان را بگوید و خواستهای کارگران را آشکار سازد و بپذیرد که کارگران بسیار شرافتمندانه رفتار کرده‌اند بنابراین کارگران دولت را واداشتند تا از دروغ گفتن به شیوه شرم آور پلیسی دست بردارند. کارگران با قیام خود و با طرح مسائل و خواسته‌هایشان در جزوات و اعلامیه‌های متعدد برای با خبر ساختن عموم مردم، دولت را به قبول این حقیقت واداشتند. و این امر برای کارگران پیروزی بزرگی محسوب می‌شد. اکنون کارگران بخوبی میدانند که برای اعلان عمومی نیازهایشان و برای با خبر ساختن کارگران سراسر کشور از مبارزات خویش از چه وسائلی میتوانند استفاده کنند. کارگران اکنون میدانند که چگونه با مبارزات متحدانه خود برای تامین حقوقشان و با آگاهی طبقاتی خود قادرند دروغهای دولت را بر ملا سازند. تازه وقتی که وزراء از اعتصابات صحبت بمیان آوردند شروع کردند به عذر تراشی و اینکه اعتصابات در نتیجه ویژگی‌هایی است که در تولیدات نخ وریسندگی کتان وجود دارد. حقیقتاً این اعتصابات نتیجه ویژگی‌های تولید تمام روسیه نیست؟ این اعتصابات نتیجه ویژگی‌های سیستم سیاسی روسیه نیست. به پلیس اجازه میدهد به آرامترین اعتصابات کارگران حمله کند و کسانی را که تنها از خودشان در مقابل سرکوب و فشار دفاع میکنند، شکار و بازداشت نماید؟ اگر چنین است پس آقایان وزراء چرا کارگران اعلامیه‌ها را از دست هم می‌قاپند و با ولع هر چه تمامتر آنها میخوانند و

تقاضای تعداد بیشتری میکنند اصلاً" به کتان و نسخ
ارتباطی ندارد. بلکه به محرومیت اتباع روسیه از هر
نوع حقوق، و رفتار خودسرانه و وحشیانه حکومتی
مربوط است که از سرمایه داران چاپلوسی میکند و
مجیز آنان را میگوید. نه این عذر جدید بسیار بدتر
و بیشرمانه تر از عذر آقای ویتته وزیر دارائی است که
سعی کرد از طریق بخشنامه اش و با مقصر جلسه دادن
مبلغین **agitata** سر و ته موضوع را هم بیآورد.
آقای ویتته درباره اعتصابات بهمانگونه سخن میگوید که
هر صاحب مقامی که سبیلش را سرمایه داران چرب
کرده اند: مبلغان میآیند، مسائل را توضیح میدهند،
اعتصاب آغاز میشود. اما حالا که آقایان وزراء یک
اعتصاب سی هزار نفری را می بینند، مجبورند کمی فکر
کنند و بالاخره به این نتیجه میرسند که اعتصاب باین
دلیل شروع نشده که مبلغان سوسیالیست در صحنه ظاهر
نشده اند. بلکه مبلغان سوسیالیست به این دلیل
پیدایشان میشود که اعتصاب آغاز شده است، زیرا که
کارگران مبارزاتشان را علیه کارخانه داران شروع
کرده اند و حالا وزراء اظهار میدارند که سوسیالیستها
بعداً به اعتصابات می پیوندند و این برای آقای ویتته
درس خوبیست. آقای ویتته خواست را جمع کن و خوب
بخاطر بسپار، و یاد بگیر که درباره علت اعتصاب
هیچگونه ابهامی برایت وجود نداشته باشد. یاد بگیر
که خواسته های کارگران را مورد بررسی قرار دهی
نه گزارشات موشهای جاسوس را که خودت هم کمترین
اعتمادی به آنها نداری. این آقایان وزراء به ملت
میگویند که افرادی با سوء نیت سعی میکنند به اعتصابات

جنبه سیاسی بزهکارانه و یا همانطور که در جای دیگری ذکر کرده‌اند، خصلت اجتماعی (**Social**) بدهند . (البته منظور آقایان از خصلت اجتماعی سوسیالیستی بوده است حال از روی نادانی و یا از روی جسور و کراتیک اجتماعی گفته شده بهر حال چیز چرندیست ؛ سوسیالیستی بمعنی پشتیبانی از مبارزات کارگران علیه سرمایه میباشد در حالی که منظور از اجتماعی صاف و ساده خود جامعه است . حال چگونه میتوان به اعتصاب جنبه اجتماعی داد ؟ همانطور که به آقایان وزراء رتبه میدهند !) خنده دار است ! سوسیالیستها به اعتصاب جنبه سیاسی میدهند . چرا ؟ قبل از اینکه هر سوسیالیستی این کار را بکند خود حکومت تمام امکاناتش را بکار میبرد تا این وظیفه را انجام دهد . آیا این حکومت نیست که کارگران صلح جو را درست مانند جنایتکاران دستگیر میکند ؟ آیا حکومت کارگران را باز داشت و اخراج نمیکند ؟ آیا او جاسوسها و پرووکاتورها را به هر سو نمیفرستد ؟ آیا هر کس را که به چنگش بیفتد بازداشت نمیکند ؟ آیا دولت قبول نداد که به صاحبان کارخانه‌ها کمک کند تا تسلیم نشوند ؟ آیا دولت ، کارگران را صرفاً " بخاطر جمع آوری پول برای اعتصابگران ، تحت تعقیب قرار نداد ؟ حکومت خود قبل از هر کس دیگری این امر را برای کارگران روشن میسازد که جنگی که آنان علیه کارخانه‌داران آغاز کرده‌اند بناچار باید به جنگی علیه دولت تبدیل شود . کار سوسیالیستها تنها تأیید این موضوع و انتشار آن در اعلامیه‌ها و جزوات میباشد . تمام قضیه از این قرار است . حکومت روسیه در امر

نادیده گرفتن امور صاحب تجربه زیادی است. و از همین رو آقایان وزراء درباره اینکه چگونه حکومت بسازد اعتصابات خصلت سیاسی میبخشد، سکوت کرده اند. حکومت حتی تاریخ اعلامیه های سوسیالیستها را هم با اطلاع عموم میرساند. پس چرا چیزی درباره تاریخ صدور دستور فرماندار شهر و **bashi-bazouk** در مورد بازداشت کارگران صلحدوست، مسلح کردن ارتش، فرستادن نیروی انتظامی، اعزام جاسوسان و پرووکاتورها چیزی نمیگوید؟ اینان که تمام جزئیات اعلامیه های منتشره از طرف سوسیالیستها را با اطلاع عموم میرسانند چرا درباره تعداد کارگران و سوسیالیستهای بازداشتی درباره خانواده هایی که نابود شده اند و درباره تعداد تبعیدها و زندانیان بدون محاکمه هیچ چیز نمیگویند؟ چرا؟ به این دلیل که وزرای روسی هر چند که از هر نوع شرم و حیائی عاری هستند، اما در مورد گفتن چنین اعمال راهزنانه ای به ملت بسیار با احتیاطند. کلیه نیروهای دولتی، قوای انتظامی، پلیس، ژاندارمها و دادستانی در برابر و بر علیه کارگران صلحدوست که برای احقاق حق خویش و دفاع از خود در برابر استبداد کارخانه داران قیام کرده اند جبهه گرفته و به مقابله برخاسته اند، بخاطر مزد ناچیز خود و رفقاییشان، کارگران انگلیسی، هلندی، آلمانی و استرالیایی میجنگیدند، دولت تمام نیرویش، یعنی پلیس، قوای نظامی، ژاندارمها و جاسوسها، را تمام خزانه عظیمش را که به کارخانه داران بیچاره قول مساعدت داده بود، بکار گرفت.

کارگران متحد و متشکل نبودند، آنان قادر نبودند

ترتیبی برای جمع آوری وجوه بدهند و از کمکهای کارگران و شهرهای دیگر فهرستی تهیه کنند. آنان همه جا مورد تعقیب قرار میگرفتند و مجبور بودند در مقابل فشار نیروهای دولتی تسلیم شوند. آقایان وزراء از شادی پیروزی خود، در پوستت نمیگنجد. چه فتح با شکوهی! چه نیروهای برابری! تمام قدرت حکومت و کلیه ثروت سرمایه داران علیه سی هزار کارگر صلح جو و فقیر! آقایان وزراء بهتر بود قبل از لاف زدن در باره پیروزی، کمی تامل میکردند. لاف و گزاف آنان، انسان را بیاد لاف و گزافهای پلیس میاندازد که از اینکه از اعتصابات جان سالم بدر برده اند، بخود میبالند. حکومت پیروزمندانسه به سرمایه داران اعلام میکند که "تحریکات" سوسیالیستها هیچ اثری نداشت. چرا، جواب ما اینست که هیچ تحریکی نمیتوانست یکصدم تاثیر را که رفتار و کردار دولت در برابر این مسائل روی کارگران سنت پترزبورگ و سراسر روسیه داشت، بوجود بیاورد. کارگران می بینند مشی دولت عبارتست از سکوت درباره اعتصابات کارگری و دگرگون جلوه دادن آنها. کارگران دیدند که چگونه مبارزه متحدانه آنان، پلیس را به ترک دروغگوئی و ریاکاری واداشت. آنان میدیدند که حکومت چگونه قول مساعدت بسسه کارخانه داران میدهد و عملاً از منافع آنان حراست میکند. کارگران در حالی که نه قانون را نقض کرده بودند و نه نظم را بهم زده بودند، در عوض در برابر خویش ارتش و پلیس را دیدند، با آنان به گونه ای رفتار شد که گوئی دشمنان مملکت هستند. در این میسسان

کارگران میتوانند دشمنان واقعی خویش را بشناسند.
وزراء هرچقدر که میخواهند راجع به شکست
مبارزه داد سخن بدهند، چون کارگران می بینند که
چگونه کارفرمایان کوتاه می آیند و دولت از تمام
بازرسانش دعوت میکند که برای بحث درباره امتیازاتی
که باید به کارگران بدهند، دور هم گرد می آیند،
چون اکنون دیگر باید امتیاز داد. اعتصابات سالهای
۹۶ - ۱۸۹۵ بی نتیجه نبودند. این اعتصابات خدمات
بی پایانی به طبقه کارگر روسیه کردند، آنها بس
کارگران نشان دادند که چگونه بخاطر منافعشان بجنگند
و به آنان آموختند که مفاهیم " موقعیت سیاسی " و
" نیازهای سیاسی " طبقه کارگر را بفهمند.

نوامبر ۱۸۹۶

اتحاد مبارزه برای رهائی طبقه کارگر

" تقریر در زندان، پاییز ۱۸۹۶ "

ترجمه از مجموعه آثار بزبان انگلیسی

جلد دوم چاپ ۱۹۶۳

به زنان و مردان کارگر کارخانه "تورنتون"

زنان و مردان کارگر کارخانه "تورنتون" !

روزهای ششم و هفتم نوامبر برای همه —
روزهائی فراموش ناشدنی هستند. زیرا در این روزها
با فندگان با مقاومت پیگیرانه خود در مقابل فشار
کارفرمایان ثابت کردند که در میان ما در لحظاتی
دشوار هنوز هستند کسانی که از منافع مشترک —
کارگران دفاع میکنند. آنان نشان دادند که این
کارفرمایان محترم هنوز موفق نشده‌اند (نتوانسته‌اند)
ما را به بردگانی بیچاره برای پرکردن جیب‌های
گشادشان تبدیل کنند .

رفقا بیائید تا به آخر محکم و استوار بایستیم و
بیاد داشته باشیم که تنها از طریق کوششهای متشکل و
مشترک میتوانیم شرایط زندگی مان را بهبود بخشیم، و
مهمتر از همه رفقا باید مراقب باشیم که با سر به درون
دامی نیفتیم که آقایان تورنتون با حیلہ‌گریهای بسیار
بر سر راهمان گسترده‌اند. استدلال این آقایان
چنین است:

وضع بازار چندان خوب نیست از اینرو اگر ما
بخواهیم شرایط پیشین کار را حفظ کنیم دیگر نمیتوانیم
همانقدر سود ببریم که قبلاً" میبردیم و به هیچ وجه
هم حاضر نیستیم به سود کمتری تن در دهیم.

.... بنابراین ما مجبوریم کارگران را تحت فشار
بیشتری قرار دهیم. بگذار این کارگران باشند که بار
هزینه‌های سنگین را متحمل شوند. ولی این امر
نباید به شیوه‌های قبلی بلکه با هشیاری و زیرکویی
تمام باید صورت بگیرد تا کارگران ساده لوح نفهمند که
چه لقمه چرپ و نرمی را برایشان تدارک دیده‌ایم.
اگر بخواهیم این برنامه را یکبارہ در مورد تمام
کارگران اعمال و اجرا کنیم موجب شورش یکپارچه آنها
میشویم. پس اول خدمت بافنده‌های بیچاره می‌رسیم
بعد بقیه کارگران دردسری ایجاد نخواهند کرد
(راه فراری ندارند). ما عادت نداریم در رفتار با
کارگران برای خود محدودیتی قائل شویم. تازه چرا
اینکار را بکنیم؟

از اینرو کارفرمایان که سخت‌علاقمند به رفاه
حال کارگران هستند میخواهند بتدریج و مداوماً "شرایطی
را که قبلاً" به بافندگان تحمیل کرده بودند به کارگران

تمام بخشها نیز تحمیل کنند... باین دلیل است که اگر نسبت به سرنوشت بافندگان بی تفاوت بمانیم با دست خودمان چاهی را کنده ایم که با سر به درون آن پرتاب خواهیم شد.

بتازگی درآمد بافنده‌ها (اگر بخواهیم درآمدشان را به رقم صحیح حساب کنیم) حدود ۳ روبل و پنجاه کوپک در هفته است و در طول همین مدت خانواده‌های ۷ نفری با درآمد ۵ روبل با دشواری تمام امرار معاش کرده‌اند و خانواده‌های مرکب از پدر و مادر و یک فرزند تنها با ۲ روبل سر کرده‌اند. آنان حتی تا آخرین تکه پاره‌های لباسشان را فروختند و آخرین شاهی‌های پولشان را که محصول کار جهنمی و طاقت فرسایشان است خرج کردند در حالی که ولینعمت‌هایشان، صاحبان تورنتون، در همان مسدود میلیونها روبل بر ثروتشان افزوده میشد. اخراج کارگرانی که کارشان را از دست میدهند و قربانی حرص و آرزوکارفرمایان میشوند و در مقابل چشم دیگران به خیابانها رانده میشوند فشاری که با سنگدلی تمام مداوماً افزایش می‌یابد این جریان را تکمیل میکند... آنان بدون هیچگونه توضیحی شروع به مخلوط کردن کرک با پشم کردند که سرعت کار را بنحو وحشتناکی کاهش میدهد بطوری که کارگران برای گرفتن تارها باید وقت زیادی صرف کنند. و بالاخره کارفرمایان بدون سر و صدا مدت کار را برای تولید کوتاه کردند اکنون بجای ۹ اسکیمتس تنها میتوان ۵ **Schmitz** تولید کرد. و کارگران مجبورند برای چیدن و بافتن انرژی بیشتری صرف کنند و اعصاب خود را بیشتر

فرسوده کنند و بطوری که همه آگاهند در ازای این امر حتی یک کوپک هم پرداخت نمیشود. آنان میخواهند اعصاب بافندگان ما را فرسوده کنند، رقم یک روبل و ۶۲ کوپک در ازای دو هفته کار که بتازگی در دفترهای مزد کارگران پدیدار شده ممکن است در آینده نزدیک در تمام بخشهای بافندگی رایج شود. رفقا! آیا شما هم میخواهید که این لطف آقایان کارفرما شامل حال شما هم بشود. اگر نمیخواهید و اگر قلبهایتان در مقابل رنج توده‌های فقیری مثل خودتان به سنگ تبدیل نشده است محکم و استوار در اطراف بافندگان حلقه بزنید و بیایید خواستهای مشترکمان را مطرح کنیم و در هر موقعیت مناسبی برای بهبود شرایط زندگی‌مان با سرکوبگران خود مبارزه کنیم.

کارگران بخشهای ریسندگی! گول افزایش مداوم و تدریجی درآمدتان را نخورید... تازه $\frac{2}{3}$ کارگران ریسندگی را از کار اخراج کرده‌اند و افزایش مزد شما به قیمت گرسنگی آنان تمام شده است. درک این حیلۀ مزورانه کارفرمایان چندان دشوار نخواهد بود اگر شما حساب کنید قبلاً درآمد بخش بافندگی چقدر بوده و حالا چقدر است. کارگران بخش جدید رنگریزی! شما در ازای $\frac{1}{4}$ و ۱۴ ساعت (و ربع) کار روزانه تنها ۱۲ روبل در ماه میگیرید در حالی که از پای تا سر به بخار مسموم و کشنده رنج آغشته‌اید. به خواسته‌های ما توجه کنید!

ما خواستار پایان بخشیدن به کسور غیر قانونی‌ای هستیم که در مقابل عدم کارآئی سرپرست‌ان شما اخذ میشود. زحمتکشان و کلیه کارگران ساده! آیا واقعا

شما انتظار دارید روزی ۶۰ تا ۸۰ کوپک در روز بگیرید در حالی که بافندگان ماهر مجبورند با روزی ۲۰ کوپک امرار معاش کنند؟ رفقا چشمتان را به روی واقعیت نبندید. این طعمه‌ای را که کارفرمایان بر سر راهتان نهاده‌اند نبلعید، صفوف خود را فشرده‌تر سازید و گرنه زمستان بدی در پیش خواهیم داشت. ما باید با چشمانی باز مراقب مانورهای کارفرمایان که صرفاً "هدفشان پائین آوردنمزدهاست، باشیم و در مقابل هر نوع گرایشی در این جهت که متضمن خانه خرابی ماست، شدیداً مقاومت کنیم.... به آه و ناله آنان در مورد خرابی اوضاع توجه نکنیم: منظور آنان از خرابی اوضاع تنها سود کمتر است در حالیکه برای ما خرابی اوضاع بمعنای قحطی و رنج خانواده‌هایمان است که از کوچکترین تکه نان بیات نیز محرومند. آیا این دو قابل مقایسه‌اند. آنان پیش از هر چیز فشار را روی بافندگان متمرکز کرده‌اند.

خواسته‌های ما بشرح زیر است:

۱ - افزایش مزد بافنده‌ها به سطح مزدهای بهار یعنی

حدود ۶ کوپک برای هر **schmitz**.

۲ - بافندگان مشمول این قانون بشوند که میگویند

میزان مزد قبل از شروع کار به کارگران اعلام

گردد. و نرخ مزدها که به امضای بازرس کارخانه

رسیده است تنها منحصر بروی کاغذ نباشد بلکه

طبق قانون صورت واقعیت بخود بگیرد. مثلاً در مورد

بافندگی، نرخها باید شامل اطلاعاتی درباره

کیفیت پشم، میزان زوائد و کرکهای موجود در آن،

تخمینی در مورد مدت زمان لازم برای کارهای

مقدماتی باشد.

— زمان کار باید طوری تنظیم شود که ما بدون اینکه مقصر باشیم، بیکار نمانیم. مثلاً الان کاره‌ها طوری ترتیب داده شده که برای هر قطعه یکروز کار صرف‌تارها میشود از اینرو قطعات تولید شده نصف قطعات قبلی از آب‌درمیایند و بافندگان با در نظرنگرفتن و عدم رعایت نرخ مزدها خسارت دوگانه‌ای را متحمل میشوند. اگر کارفرمایان میخواهند از مزد ما بزدند بگذارید آشکارا این کار را بکنند تا کاملاً روشن شود که آن‌ها چگونه ما را میدوشند.

— بازرسان کارخانه باید مراقبت‌کنند تا تقلبی در مورد نرخ مزدها رخ ندهد بطوریکه نرخ دوگانه‌ای وجود نداشته باشد یعنی مثلاً لیست نرخ مزدها شامل دو نرخ متفاوت برای تولید یک جنس کسه دو نام متفاوت دارند، نباشد. مثلاً ما برای بافتن پارچه "بای بر" ۴ روبل و ۳۲ کوپک میگیریم در حالی که برای پارچه "اورال" ۴ روبل و ۱۴ کوپک، و ما میدانیم که برای تولید این دو پارچه به یک میزان انرژی، به یک میزان وقت، صرف میشود.

تازه حيله‌گری بیشترانه‌تر اینکه برای کالاهائی با یک اسم، دو نرخ متفاوت میگذارند. این طریقی است که آقایان "تورنتون" از زیربار "قانون جرائم" شانه خالی میکنند. این قانون خاطر نشان میسازد تنها جریمه به کارگری تعلق میگیرد که در اثر بی‌مبالاتی وی خسارتی به کار

وارد ساخته است و این کسر مزد باید حداکثر ۳ روز پس از تعیین جریمه در دفتر پرداخت مزد در ستون جرائم ثبت گردد. همچنین باید گزارش دقیقی از تمام جرائم تهیه و نگهداری شود. وجوه جرائم باید بجای سرازیر شدن به جیب کارفرما صرفاً آوردن نیازمندیهای کارگران کارخانه مربوطه بشود.

و اما درباره خودمان. بیائید نگاهی بسـه دفترچه‌ها مان بیاندازیم. در هیچ جای آن اثری از ارقام جریمه نیست و آدم تصور میکند که چقدر کارفرمایان ما مهربان هستند. آنان با استفاده از عدم آگاهی ما از زیر قانون درمیروند و عملاً "اوضاع را بنفع خود روبراه میکنند. می‌بینید! رفقا هیچکس جریمه نشده اما از مزد ما کم میشود. در آنجا که دو نرخ است یک نرخ کمتر و یک نرخ بیشتر، همیشه نرخ کمتر پرداخت میشود و هیچ جای شکایت و گلگی هم نیست. آنان همچنان به کم کردنمزدهای ما و از این راه به افزایش درآمد خود ادامه میدهند.

علاوه بر اینکه باید نرخ واحد مقرر گردد، هر نوع کسور باید در ستون جرایم با ذکر دلیل جریمه ثبت شود.

باین طریق جرایم ناحق آشکار میشود و کار مفست کمتری از ما کشیده میشود و حوادث ناخوشایند کمتر رخ میدهد مثلاً در بخش رنگری مزد کارگران بحساب عدم کارآئی سرپرست بدون مجوز قانونی کسر میشود و در حالیکه هیچگونه دلیل قانونی ای

بنام بی مبالاتی کارگران برای کسور از مزدها وجود ندارد. آیا تا بحال از مزد ما بخاطر گناهی که مرتکب نشده ایم کسر نشده است؟

۶ - ما خواهان این هستیم که حق مسکن به سطح قبل از سال ۱۸۹۱ برسد. یعنی یک روبل برای هر نفر در ماه. زیرا درآمد ما بحدی پائین است که ما قادر به پرداخت ۲ روبل در ماه نیستیم و تازه برای چه ۲ روبل بپردازیم. آیا لانه‌های کثیف، شلوغ و بوگندو که دائما " در معرض آتشسوزی قرار دارند ارزش ۲ روبل در ماه را دارند؟ رفقا فراموش نکنید که نرخ یک روبل در ماه در سراسر پترزبورگ نرخ متداولی نیست؟ فقط این اربابان با ملاحظه ما هستند که نمیتوانند باین مبلغ رضایت دهند. از اینرو ما باید آنان را وادار سازیم تا از حرص و طمع خود بکاهند.

در دفاع از این خواسته‌ها ما قصد طغیان نداریم، و ما صرفاً " می‌خواهیم آنچه را که سایر کارگران کارخانه‌ها بر طبق قانون بدست آورده‌اند، بدست بیاوریم ما می‌خواهیم حقان را از آن کسانی بازستانیم که تمام امیدشان این است که ما قادر به دفاع از حقوقمان نیستیم. بیایید به آنان نشان دهیم که سخنان در اشتباهند.

تقریر و انتشار به سال ۱۸۹۵

ترجمه از مجموعه آثار بزبان

انگلیسی - جلد ۲ - چاپ مسکو